

# انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

# ۲۱

۱ مهر ۱۳۷۹

۲۲ سپتامبر ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

خود را باخته اند!

صفحه ۴

ای شیطان بزرگ!

صفحه ۳

ما از اعماق جامعه  
سخن میگوئیم

صفحه ۲

آگسیونهای سازمان

جوانان کمونیست

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب ۳۰:۹ تا ۱۰  
بوقت تهران  
۱۹ متر برابر با  
۱۵۵۵۰ کیلوهرتز  
تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آخرین خبر:  
تظاهرات بزرگ  
علیه سخنرانی  
خرازی در  
لس آنجلس

صفحه ۳

## اول مهر سال کمونیسم در مدارس و دانشگاهها آغاز میشود

دانشجویان کمونیست رهبری حرکات اعتراضی را هرچه بیشتر بدست میگیرند. برای جوانان ایران امسال سال عبور از خاتمی است. سال کمونیسم است به حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست ببینید.

در اول مهر امسال سران رژیم حق دارند نفس خود را در سینه حبس کنند. جوانان در ایران اعلام کرده اند که این حکومت و این نظام سیاسی را نمیخواهند. کنترل جریانات دوم خردادی بر حرکت جوانان و دانشجویان سست میشود. محافل جوانان و

دانشگاه در یک رژیم راست استبدادی، یک محیط چپ گراست. در جمهوری اسلامی، در یک استبداد مذهبی سرمایه داری، در یک رژیم ضد زن، ضد زندگی، ضد شعور و ضد مدنیت، دانشگاه یک کانون طبیعی رشد کمونیسم است.

اگر کار در تهران به حکومت نظامی بگشد

## در کردستان شهرها بدست مردم میافتند

حزب کمونیست کارگری خود را برای بسیج و هدایت مردم در چنان شرایطی آماده میکند



مصاحبه بخش کردی رادیو انترناسیونال با رحمان حسین زاده

دست بدهد. دوره جدید کشمکش دو جناح و حاد شدن آن بازتاب همین وضعیت است. دوم خرداد و در رأس آن خاتمی و دولت و مجلسشان پوچی و بیمایگی خود را به بهترین وجهی نشان دادهاند. با حکم خامنه ای و تمکین دوم خرداد به آن فلسفه وجودی آنها زیر سوال رفته است. اینها با بحران هویتی و سردرگمی سیاسی رویریند. چنددستگی و پراکندگی

رحمان حسین زاده - با مشاهده شما موافقم. وقایع اخیر چند مساله را برجسته تر کرده است. کل این وضعیت خود انعکاس این واقعیت پایه ای است که جمهوری اسلامی ضعیف و ضعیف تر میشود و نمیتواند جلو تغییر و تحولی را بگیرد که در ایران در راه است. روند اوضاع در جهتی سیر میکند که رژیم کنترل اوضاع را از

رادیو انترناسیونال- اخیرا با حکم خامنه ای در قبال مجلس اسلامی، تحولات جدیدی در روند اوضاع سیاسی ایران بوجود آمده، دوم خرداد با بحران و سردرگمی روپروست، خاتمی سعی میکند خود را به "رهبر" نزدیک کند، جناح راست چنگ و دندان نشان میدهد، اعتراضات مردم در حال گسترش است، تصویر شما از وضعیت چیست؟

در صفوف آنها ابعاد جدید به خود گرفته است. از طرف دیگر

صفحه ۳

در طول تاریخ برای حفظ بردگی جنسی و بردگی خانگی زن خلق شده اند، پایه های حکومت اسلامی را به لرزه در آورده است. نکته دوم آن بود که چگونه دوم خرداد و جناح راست وقتی صحبت سر فاطمه زهرا، بردگی زنان و سرکوب اعتراض آنان است، اختلاف جدی باهم ندارند. سخنان خاتمی که مثل هر آدم شوینست و ضد زن دنیا تا میخواهد به زور کلامی در مورد آزادی زن به زبان بیاورد باید فوراً زبانش را آب بکشد که آزادی یا "بی بند و باری" فرق دارد، "بی بند و باری" مخالف آزادی زن است، مورد گویایی دیگری بود که چطور خاتمی ها و ده نمکی ها همه دست آخر از یک قماش اند.

دو نکته در رابطه با این هفته فاطمه زهرا جمهوری اسلامی برجسته بود:

اول آنکه این هفته در واقع هفته نمایش وحشت جمهوری اسلامی از اعتراض زنان بود. جمهوری اسلامی که زن ستیزی اسلامی را به بیرق حکومتش تبدیل کرده است یک هفته مشغول اعتراف بود که چگونه مبارزه زنان علیه حجاب اجباری، طغیان پایان ناپذیر دختران و زنان جوانان علیه مناسبات بنده وار و مردسالارانه در خانواده، تلاش آنها برای شکستن تابو ها و بندهایی

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

جناحی شان استغاثه و یا تهدید کردند که "خواهران" ارزش های اسلامی را بر باد ندهند. عقیف و پوشیده باشند. ارزش های سنتی خانواده را پاس بدارند. در خانه بمانند و بچه داری و شوهر داری کنند. رفسنجانی به زنان برگزار کننده هفته فاطمه زهرا گفت که خواهران تند نروند و یواش یواش حقوقشان را بگیرند! خاتمی این ستاره رویه افول دوم خرداد گفت: "آزادی بی بند باری نیست".

امسال برای اولین بار تولد فاطمه زهرا را کش دادند و یک هفته را به "روز زن و روز مادر" جمهوری اسلامی اختصاص دادند. در این یک هفته خواهر زینب های جمهوری اسلامی از جناح های مختلف پیش این مقام و آن مقام رفتند و نقش "زنان امت اسلام" را بازی کردند. در این یک هفته جمهوری اسلامی و مقاماتش، روزنامه نگار ها و سخنرانانش بسته به موقعیت

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## در کردستان شهرها بدست مردم میافتند

چنگ و دندان نشان دادن خامنه ای و جناح راست هم از سر استیصال است و نه قدرت آنها، دیگر دوره قلدری و مانورهای اینچینی به سر آمده است. کارشان ساخته است. این رژیم و هر دو جناح آن بی آینداند.

آنچه در این میان آینده دارد و دارد توجه همه را به خود جلب میکند، گسترش اعتراضات کارگران و توده مردم جان به لب رسیده است. اعتراضات شهرها، تحرک کارگری و جنب و جوش جوانان و دانشجویان از نظر من مهمترین تحول ایندوره‌اند. اعتراض گسترده و چند روزه مردم در خرم آباد نشانه دوره جدیدی از مبارزات مردم است. دوره ای که مردم سازمانیافته تر و آگاه تر به مقابله جمهوری اسلامی میروند.

رادبو انترناسیونال - بازتاب این وضعیت را در کردستان چگونه میبینید؟

رحمان حسین زاده- اعتراض و مبارزه مردم در کردستان پیوند عمیقی با مبارزات سراسری در ایران دارد و به شدت از اوضاع سراسری تاثیر میگیرد. پاپایی گسترش مبارزه در سراسر ایران،

کنترل رژیم بر جامعه شل تر شود، زیر فشار اعتراضی شیرازه امور را بیشتر از دست بدهند. از سر استیصال به سرکوبهای نظامی طبعاً کم دوام هم دست بزنند یا حتی جناح راست بخواهد علیه جناح دیگر دست به اسلحه برد. امکان اینکه در شهرهای کردستان زیر فشار حرکت‌های گسترده توده ای و دست بردن مردم به اسلحه دم و دستگاه اداری و سیاسی و نظامی رژیم از شهرهای کردستان برچیده شود، هست. قابل تصور است که رژیم به ضرب سرکوب خشن و حکومت نظامیهای کم دوام هنوز در مرکز حکم براند، اما شهرهای کردستان در دست مردم باشد. این را در سالهای ۵۷ و ۵۸ تجربه کرده ایم. من فکر میکنم چند دلیل میتواند در ایجاد چنین وضعیتی موثر باشد. اولاً: رژیم در آستانه فروپاشی اساس هم و غم خود را بر کنترل اوضاع در تهران و دیگر شهرهای مرکزی ایران میگذارد و چنانکه مجبور به عقب نشینی در شهرهای کردستان شود به آسانی امکان اعاده کنترل و اداره امور را نخواهد داشت. احزاب سیاسی بنا به امکان و توان خود دخالت میکنند. کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری امکان دخالت و تاثیر گذاری جدی در به میدان کشاندن اعتراضات گسترده و سازمانیافته دارد. همچنین سنت فعالیت مسلحانه و دست بردن

مردم به اسلحه علیه رژیم قوی است و در چنان شرایطی تعرض نظامی به رژیم امری ممکن است و ما پتانسیل نظامی خود را با تمام قوا بکار میگیریم.

رادبو انترناسیونال: در چنان شرایطی وظیفه کمونیستها و جریان رادیکال چیست و حزب کمونیست کارگری چکار میکند؟

رحمان حسین زاده- اولین مسأله توجه به خود این واقعه و تشخیص موقعیتی است که بروز چنین رویدادی در آن محتمل است. باید هوشیارانه اوضاع را تعقیب کرد و در آن دخالت نمود. وضعیت را به روشنی توضیح داد و به مردم گفت و آنها را آماده کرد. حضور موثر حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی و مبارزاتی در کردستان، از ضروریات عاجل و فلسفه فعالیت ما در کردستان را تشکیل میدهد. تلاش ما متوجه این است که اعتراضات و مبارزات جاری گسترش یابد، سازمانیافته تر شود، اهداف و مطالبات رادیکال بر آن ناظر باشد. به نظرم دوره آن است که جنبش رادیکال کارگران، زنان و جوانان و دانشجویان و دیگر بخشهای معترض جامعه با سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی،

### کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

بر سرنوشت و آینده میلیونها نفر تردید کند.

ما از همه مردم جهان، از سازمانهای مترقی و مدافع حقوق زنان از سازمانها و اتحادیه های کارگری میخواهیم که در این مبارزه بزرگ، مبارزه برای حقوق و برابری زن و مرد و مبارزه بر علیه جریانهای عشیره ای ناسیونالیستی و اسلامی، زنان کردستان را یاری دهند. یک سنگر مهم مبارزه زنان هم اکنون نبردی است برای سازمان دادن چندین خانه امن در شهرهای بزرگ کردستان عراق. از این حرکت به حق زنان دفاع کنید. آنها را یاری کنیم که بتوانند این خانه ها را دوباره دایر کنند. اتحادیه میهنی طالبانی را به خاطر بستن این خانه های امن زنان محکوم کنیم.

مینا احدی

(0049)01775692413

## ما از اعماق جامعه سخن میگوئیم



را بیدار خواهد کرد؟

این احزاب چندین سال است که زندگی و هستی یک جامعه را به گروگان گرفته اند و با حاکم کردن دستجات مسلح خود و آدمکشان مسلح اسلامی، از عقب مانده ترین سنن و آداب و رسوم دفاع کرده و سدی محکم در مقابل تلاش مردم برای زندگی نرمال و انسانی ایجاد کرده اند. در کردستان مردم تشنه آزادی

Minaahadi@aol.com

مینا احدی

فریادرسی ندارند.

اینها قربانیان آداب، سنتها، اخلاقیات، مناسبات پوسیده و عقب مانده و ضد زن و اسلامی اند. اینها قربانیان احزاب حاکمی هستند که با سیاست و اعمال ضد انسانیشان از ۱۰ سال پیش در این جغرافیای معین زنان را به راحتی به مسلخ میبرند. آیا آمار ۴۰۰۰ زن به قتل رسیده در کردستان عراق، لکه ننگی دیگر بر دامان این حاکمین مرتجع نیست؟ آیا به بند کشیده شدن زنان در خانواده ها، به زنجیر بسته شدن دست و پای زنان در کنج خانه ها و بریدن دماغ و آتش زدن زنان، میزیم که جسد تکه تکه شده شان نیز احترامی ندارد. اسمشان در هیچ آماری ثبت نمیشود و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

# ای شیطان بزرگ! آه فرشته نجات!

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com



سر تکان دادن کلینتون به نشانه گوش دادن به سخنرانی خاتمی در "اجتماع هزاره" سران کشورها در سازمان ملل، و یا ملاقات های "اتفاقی" کروی و سناتورهای آمریکایی در موزه متروپولیتن نیویورک، از سوی ناظرین مختلف بعنوان "شاخص های مثبت" در رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی قلمداد شد. آن رُست های کمیک دیپلماتیک جدی اند، اما نشانه تحولی تعیین کننده نیستند. معضل رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا که همچون عارضه ای مادرزاد ز گهواره تا گور با جمهوری اسلامی خواهد بود، ریشه در جای دیگری دارد.

آمریکا (در راس کشورهای غرب) خود قابله جمهوری اسلامی بود. برای آنکه انقلاب ۵۷ به چپ نرود، خمینی از حجره های تاریک نجف به زیر نورافکن های نوفل لوشاتو آورده شد و از آنجا بعنوان "رهبر انقلاب" در ماه شد. غرب (به رهبری آمریکا) نقشه ای مبینی بر خروج شاه از کشور، بی طرف ماندن ارتش و انتقال قدرت مسالمت آمیز و از بالا به بلوک خمینی و بازرگان سرهم کرد. اما قیام خود جوش مردم در بهمن ۵۷، که علیرغم تلاشهای سراسیمه خمینی و شرکاء صورت گرفت، این نقشه را بهم ریخت. دوره سه ساله ای از آزادی از پایین و بحث های خیابانی،

که مبتکر و مدافع تسخیر سفارت و احضار "شیطان بزرگ" بود، حالا در هیات دوم خرداد به روشنی، ولو با زبونی، خواهان عادی کردن رابطه با آمریکاست. "شیطان بزرگ" برای اینها حالا به نوعی "فرشته نجات" تبدیل شده است. رابطه با آمریکا را کلید ورود جمهوری اسلامی به جامعه بین المللی و سر و سامان دادن به اقتصاد درمانده ایران و تامین ثبات سیاسی در درون کشور میدانند.

اینها امیدوارند که با برقراری رابطه با آمریکا و با حمایت آن کشور به تمایلات مدرن و سکولار، به همان خواسته های آزادی و برابری مردم مهار ززند. در آنسو، جناح موسوم به راست، که هیچ گاه مانند دانشجویان خط امام مخالف فئاتیک آمریکا نبود، ایجاد رابطه با آمریکا را مقدمه ای بر مجموعه تحولاتی میدانند که موجب "از دست رفتن اسلام" و تضعیف و نهایتاً "فروپاشی" حکومت ایدئولوژیکی میشود که اینها را سر کار نگاه داشته است. هیچکدام از دو جناح مخالف اصل برقراری رابطه با آمریکا نیستند. هردوی آنها، همین حالا، برای هر گونه رابطه اقتصادی با آمریکا و کمپانیهای سر و دست میشکنند. حتی در موقعه خودش، مثل ماجرای "ایران گیت"، بطور پنهانی روابط سیاسی و نظامی با آمریکا بر قرار کرده اند. دعوی اینها بخودی خود نه بر سر رابطه با آمریکا بلکه بر سر مکانی است که رابطه با آمریکا در سرکوب و مهار مردم ایران و حفظ پایه های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی دارد. اگر هنوز نمی توانند بر سر رابطه با آمریکا باهم کنار بیایند دقیقاً به این خاطر است که بعد از بیست سال در تحمیل جمهوری اسلامی به جامعه ایران ناتوانند و به بن بست رسیده اند. به عبارت دیگر

به گوش فلک میرسید. طبعاً آمریکا بشدت از ایفای این رل ناخواسته ایلیس ن راضی بود و اهرم های مختلفی را برای رام کردن جمهوری اسلامی چموش بکار انداخت. اما نیاز خفه کردن جامعه انقلابی ایران که غرب و آمریکا را به خمینی و شرکاء راضی کرده بود، ایجاب میکرد که آمریکا حوصله بخرج دهد و دندان روی جگر بگذارد.

بعد از سر کشیدن "جام زهر" توسط خمینی و پایان جنگ، با آمدن "سردار سازندگی" بر سر کار، رفته رفته اوضاع تغییر کرد. کل جامعه ایران وارد مرحله جدیدی شد که مشخصه اصلی آن به میدان آمدن نسل جدیدی است که محرک اصلی اعتراض اجتماعی نوبنی علیه جمهوری اسلامی است. این اعتراض اجتماعی که طی سه چهار سال گذشته از عمق به سطح آمده است و اکنون در آستانه سرنگون کردن این رژیم قرار گرفته، همه معادلات و از جمله رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا را تغییر داده است. از آمریکای "شیطان بزرگ" سالهاست که دیگر بطور جدی خبری نیست. حالا دعوی درونی جمهوری اسلامی اینست که با آمریکا رابطه رسمی بر قرار کنند یا نه. جناح موسوم به چپ

در پایه ای ترین سطح مبنای معضل جمهوری اسلامی و آمریکا تغییر نکرده است.

معادله ای که قیام بهمن ۵۷ و سالهای انقلابی بعد از آن بر هم زد، هیچگاه دوباره بنحو پایدار برقرار نشده است. جمهوری اسلامی گرچه کارگران، مردم، کمونیستها و آزایخواهان را بطور وحشیانه کوبید اما هیچگاه خود به رژیم متعارف و پایدار سرمایه تبدیل نشد. هیولای ناقص الخلقه و ابن الوقت بورژوازی بود که بیست سال برای حفظ خود خون مکید، و اکنون دارد توسط همان مردم از نفس می افتد. اینرا غرب و آمریکا خوب می دانند. اما در اوضاع فعلی آمریکا (در پیشاپیش غرب) هنوز حاضر است (و راستش در این لحظه حتی مجبور است) که همچنان به پراکاتیسیم و "انشاء الله گریه است" ادامه دهد و بعد از نقش ماما و ایلیس حالا در هیات "فرشته نجات" دوم خرداد و جمهوری اسلامی هم ظاهر شود. آمریکا البته در توهم دوم خرداد شریک نخواهد شد، اما جمهوری اسلامی هنوز تمام ارزش ابزاری اش را برای غرب از دست نداده است. سرنگونی جمهوری اسلامی و از پایین می تواند دوباره همان کابوسی را که انقلاب ۵۷ و قیام بهمن برای سرمایه داری ایران و غرب و آمریکا بوجود آورده بود در برابر آنها قرار دهد. آنها با یک تفاوت مهم: معادله ای که بیست و یک سال پیش بهم خورد اینبار میتوانند به نفع سوی دیگر، به نفع آزادی و برابری، به نفع کارگران، زنان و مردم تحت ستم، به نفع کمونیسم برقرار گردد. سر تکان دادن های کلینتون برای سخنان بی رمق و قبلاً به "رویت رهبر رسیده" خاتمی، بی حکمت نبود!

میهمانی شامی که از طرف دانشگاه یو سی ال برای استقبال از خرازی ترتیب داده شده بود، لغو شد و محل سخنرانی او تغییر یافت. کمال خرازی با هلیکوپتر به محل سخنرانی انتقال داده شد و پلیس در مقابل دانشگاه باریکاد بسته بود.

نامه سرگشاده علی جوادی به رئیس دانشگاه در اعتراض به این سخنرانی و افشای جنایات جمهوری اسلامی با استقبال بسیار مردم و بویژه از جانب رسانه های فارسی زبان کالیفرنیا روبرو شد.

پیدا کرد. این تظاهرات با استقبال پرشوری روبرو شد و نزدیک به هزار نفر در آن شرکت کردند. مردم معترض با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر این حکومت ضد زن" و "زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری" از شرکت کنندگان در این سخنرانی استقبال کردند. تا آخرین لحظاتی که انترناسیونال هفتگی زیر چاپ میروید، این تظاهرات ادامه دارد و هر لحظه بر تعداد مردم افزوده میشود. بدنبال فراخوان به تظاهرات،

## تظاهرات لس آنجلس

صدها نفر در اعتراض به سخنرانی کمال خرازی در لوس آنجلس دست به تظاهرات زدند! روز پنجشنبه ۲۱ سپتامبر بدعوت کمیته لوس آنجلس حزب کمونیست کارگری و چند جریان دیگر تظاهرات وسیعی در مقابل دانشگاه یو سی ال در اعتراض به سخنرانی کمال خرازی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی سازمان

## انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

سازمان جوانان کمونیست:

بهروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

## رادیو انترناسیونال را

## روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

## خود را باخته اند!

محسن ابراهیمی

ebrahimi1@yahoo.com



سرکوب دوران اول انقلاب حواله میدهد. روزی سردار صفوی اعلام میکند مردم را لینچ خواهد کرد. جنتی میگوید بسیج و سپاه و امت حزب الله باید علی و محمد را الگوی خود قرار دهند که در خیبر و احد چپ و راست خون میریختند. روز دیگر از بسیجیان میخواهند شیوه اقتاعی در مقابل جوانان داشته باشند. و البته این را پنهان نمیکنند که تمام این پیچ و تابها برای این است که اسلام و حکومت اسلامی در حال از دست رفتن است، کشور ممکن است سرنوشت بدتری از کشورهای لائیک پیدا کند، و به قول رهبر عظیم الشان "هدیه الهی قرن بیستم" یعنی جمهوری اسلامی رو به موت است. به صف دوم خرداد نگاه کنید: این صف در سرگیجه تمام عیار بسر میبرد. دیگر خودشان هم باورشان شده کسی برای جامعه مدنی و توسعه سیاسی و الفاظی

تشتت مثل خوره به جان حکومت اسلامی افتاده است. هر دو جناح خود را باخته اند. صفوفشان به هم ریخته است. تاکتیکهایشان امروز به فرداست. نمیتوانند حتی برای یک هفته ثبات تاکتیکی داشته باشند. ابوالهول اسلامی هر روز بیشتر ترک برمیدارد. این فرصت بسیار گرانبهای تاریخی است. این فرصت را نباید از دست داد. به صف راست نگاه کنید: یک روز اعلام میکنند خودشان اصلا اصلاح طلب متولد شده اند. روز دیگر کشتار سالهای شصت را به یاد مردم میآورند. دیروز رفسنجانی اعلام میکنند اصلا از اول انقلاب طرفدار اعتدال بوده و تلاش میکرده از افراط و کشت و کشتار جلوگیری کند. دو روز بعد مردم را به

خاتمی اعلام میکند: خطر اصلی گسسته شدن رابطه ملت و دولت است. و محمد رضا خاتمی دبیر کل جبهه مشارکت اسلامی تکمیل میکند نظام توسط سکولاریسم مورد تهدید است.

این همه تشتت، این همه سردگمی، چه در میان راست و چه در میان دوم خردادها فقط و فقط از یک چیز منشا گرفته است: هدیه الهی به قرن بیستم، یعنی ارتجاع اسلامی در معرض خطر جدی است. خطر از کدام ناحیه است؟ از ناحیه مردم. مردمی که از ۱۸ تیر ۷۸ به اینطرف در ابعاد توده ای به خیابان آمده و ارکان نظام اسلامی را به مصاف طلبیده اند. در چند سال گذشته، اعتراض وسیع مردم، جمهوری اسلامی را به راست و دوم خرداد تجزیه کرد. گسترش این اعتراض، خود دو جناح را به تشتت کشاند. و گسترش بیشتر آن، تمام این بنای پوسیده را در هم خواهد ریخت. همه شواهد نشان میدهد که مالیخولیای اسلامی فقط یک آینده دارد: سرنوشتی.

از بن بست این استراتژی حرف میزند و صحبت از استراتژی مبارزه منفی میکند. رجبعلی مزروعی نماینده مجلس ششم از آن به عنوان "استراتژی گل و لیخند" یاد میکند که گویا "تنها راه واکسینه کردن دانشجویان در مقابل رادیکالیزه شدن است". طبرزدی از اتحادیه اسلامی دانشجویان، خواهان در پیش گرفتن "استراتژی مبارزه فعال در مقابل آرامش فعال" است.

سرگیجه این صف هم مثل همتایانشان در جناح راست از بابت سرنوشت نظام است. محمد سلامتی، دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، میگوید دوم خرداد بخشی از نظام جمهوری اسلامی است و هر حرکتی غیر از آرامش فعال به کلیت این نظام ضربه خواهد زد. بهزاد نبوی هشدار میدهد اگر آرامش فعال موفق نشود مردم به براندازی اقدام خواهند کرد. دفتر تحکیم وحدت توجه سپاه پاسداران را به این جلب میکند که در صورت موفق نشدن پروژه اصلاحات "وضعیتی فراهم خواهد شد که پایانی جز فروپاشی و خاتمه حیات دینی بر آن متصور نیست" و

از این قبیل تره هم خرد نمیکنند. قرار بود نظام را نجات دهند اما بقا خودشان به عنوان یک نیروی سیاسی به خطر افتاده است. میدانند نه تنها نقطه امیدی برای مردم نیستند بلکه حتی نخواهند توانست به عنوان یک نیروی متحد برای صفوف خودشان هم محل اتکایی باشند. تمام هم و غمشان این است که برای بقای خود هویت سیاسی جدید دست و پا کنند و از تجزیه روز افزون صفوف خود جلوگیری کنند.

استراتژی آرامش فعالشان مثل لاشه بی صاحب روی دستشان مانده است. هر شعبه دوم خرداد تعبیر خودش را از آن دارد. عباس عبدی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت

## آکسیونهای سازمان جوانان کمونیست

آکسیونهای سازمان جوانان کمونیست در "همبستگی جهانی با جوانان در ایران" با موفقیت برگزار شد.

این مراسم که تا پاسی از شب طول کشید جوانان به بحث و گفتگو در مورد مسائل جوانان در ایران پرداختند. آلمان، روز شنبه شانزدهم سپتامبر ساعت ۱۲ ظهر در شهر کلن راهپیمایی در مرکز شهر برگزار شد. شرکت کنندگان در این تظاهرات با شعارهای "زنده باد جمهوری سوسیالیستی در ایران"، "مرگ بر این رژیم خون، خدا، خفقان"، "جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده"، اعلام کردند که راه جوانان در ایران برای رسیدن به این خواستها نه اصلاح رژیم اسلامی، که سرنوشتی آن را خواستارند. در جشن همبستگی با جوانان در ایران که همان شب در کلن برگزار شد نزدیک به ۲۰۰ نفر از جوانان شرکت داشتند. در این مراسمها دبیر و مسئولین

همانطور که در اطلاعیه های قبلی به اطلاع رساندیم، سازمان جوانان کمونیست، در ماه سپتامبر تظاهرات و جشنهایی را در دفاع از اعتراضات و مطالبات جوانان در ایران فراخوان داده بود. در بسیاری از این آکسیونها، واحدهای سازمان جوانان کمونیست در شهرهای مختلف نیز اعلام موجودیت کردند. جمعه اول و شنبه دوم و نهم سپتامبر سوند، شاهد این مراسمها بود. در شهرهای استکهلم، مالمو و گوتنبرگ مراسمهای اعلام موجودیت سازمان جوانان کمونیست و شب همبستگی با جوانان در ایران برگزار شد که با استقبال جوانان در این سه شهر روبرو شد. انگلیس، روز جمعه پانزدهم سپتامبر لندن میزبان جوانان و مراسم جشن همبستگی با جوانان و تشکیل واحد سازمان بود. در

جوانانی را که از حاکمیت اسلام و مذهب، از بیکاری و نابرابری، از خفقان و سرکوب به تنگ آمده اند فرامیخواند برای سرنوشتی جمهوری اسلامی، برای ساختن دنیایی آزاد و برابر، دنیایی مرفه و سعادتمند، دنیایی شاد و شایسته انسان، به این سازمان پیوندند.

در آمدن دهها نفر از آنان در سازمان جوانان کمونیست، یکبار دیگر نشان داد که آزادیخواهی، برابری طلبی، عدالتخواهی، بشر دوستی و در یک کلام کمونیسم در میان جوانان یک جریان قوی، بانفوذ و رو به رشد است. سازمان جوانان کمونیست همه

## به انترناسیونال هفتگی کمک مالی کنید!

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

انترناسیونال هفتگی

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!